

«ایران» به بهانه اکران مستندی درباره عملیات کربلای ۴ بررسی می کند

# از «جزیره ماهی» تا «شلمچه»؛ دوروایت مستند از یک عملیات



فاطمه ترکانوشند  
 روزنامه نگار

«هاشور» برای علاقه‌مندان مستند به اکران گذاشته شده است.

هر اندازه که مستند «شلمچه» تلاش می کند روایتی از بالا و از زاویه دیدی جامع نسبت به ابعاد مختلف سیاسی و نظامی عملیات داشته باشد، مستند «جزیره ماهی» با عبور از کلیات و زوم کردن روی یکی از لشکرهای پیشروی عمل کننده، سعی دارد تصویری شفاف‌تر از جرنیبات دور روز عملیات آبی خاکی در حاشیه ارونردود و دو جزیره ام‌الرصاص و بلجانیبه ارائه دهد تا از این طریق، نقش نیروهای عمل کننده در علت عدم موفقیت عملیات، مشخص‌تر و روشن‌تر شود.

رضا اعظمیان که خودش هم از رزمندگان شرکت‌کننده در همین عملیات است، طی گفت‌وگو با فرماندهان و نیروهای لشکر اصفهان، مسیر پیشروی آنان از نقطه رهایی در فاصله مابین نهر کارون و نهر عرائش تا رسیدن به بخشی

از مناطق هدف در غرب ام الرصاص و حاشیه شرقی بلجانیبه را دنبال می‌کند تا مخاطب بتواند تکتک وقایع، موانع، واکنش‌ها و گفت‌وگوهای پشت بی سیم را بی‌واسطه بشنود و عملکرد این لشکر را به قضاوت بنشیند.

قهرمان این روایت، بی‌تردید شهید حاج حسین خرازی است. شخصیتی که در این روایت در مرحله طراحی و سازمان دهی، مخالف سرسخت انجام عملیات کربلای ۴ معرفی می شود اما مردانه پای عمل به یک تصمیم گروهی بلندپایه در میان فرماندهان جنگ می‌ایستد و نیروهایش را تا حداکثر عمق ممکن در بلجانیبه به سمت اهداف تعیین شده نفوذ

گسترده‌ترین، پیچیده‌ترین و شاید پرحاشیه‌ترین عملیات کل دوران دفاع مقدس، سوم دی‌ماه ۱۳۶۵ آغاز شد و دو روز بعد در پنجم دی‌ماه به پایان رسید. عملیات کربلای ۴، عملیاتی که می‌توانست در صورت تحقق اهدافش، پایان بخش جنگ باشد و علاوه بر پیشروی‌های بزرگ در جغرافیای جنگ، دست ایران را برای قانع کردن نهادهای بین‌المللی به متجاوز ساختن عراق و پیامدهای اقتصادی و سیاسی بعد آن باز کند، پس از شکستی سنگین به یکی از تجربه‌های تلخ و بحث‌برانگیز کشور در جبهه‌های نبرد علیه دشمن یعنی بدل شد. روایت این عملیات اما سال‌ها مسکوت مانده بود تا اینکه در نیمه دهه نود، تفحص شهدای غواص، این پرونده را دوباره برای مستندسازان باز کرد.

۹۵ سال محمدعلی فارسی، مستندی با نام «شلمچه» را با استفاده از آرشیو مصاحبه‌های روایت فتح در سال ۷۴ آماده کرد و در جشنواره مستند حقیقت همان سال به نمایشش در آورد. روایت دوم در سال ۹۹ وجوه نسبتاً متفاوت و کمتر شنیده‌شده‌ای را با محور قرار دادن عملکرد لشکر امام حسین (ع) در این عملیات به نمایش در آورد. رضا اعظمیان، مستندش با نام «جزیره ماهی» را در جشنواره حقیقت همان سال به نمایش گذاشت و موفق به کسب لوح تقدیر بهترین پژوهش شد اما مستندش در اکران عمومی، مدتی مسکوت ماند تا همین روزها در سالگرد عملیات کربلای ۴ که بالاخره در پلتفرم

بررسی اختلاف روایت دو مستند در گفت‌وگو با سردار حسین علایی

## کربلای ۴ می‌توانست در شرایط بهتری، طرح‌ریزی و اجرا شود

«جزیره ماهی» در عین نمایش رزم حماسه‌ساز و فداکارانه رزمندگان لشکر امام حسین (ع)، نگاهی منتقدانه به طرح‌ریزی و پیشبرد عملیات کربلای ۴ دارد. موضوعی که در مستند «شلمچه» با بیانی نسبتاً متفاوت از زبان طراحان عملیات دنبال می‌شود. این اختلاف روایت را با سردار حسین علایی به بحث گذاشتم.

■ **روایت «جزیره ماهی» از عملیات کربلای ۴ را تا چه اندازه دقیق و مستند می‌دانید؟**
این مستند بخشی از عملیات کربلای ۴ را که مرتبط با لشکر امام حسین (ع) است، نشان می‌دهد. در این بخش، مصاحبه‌ها با افرادی که خودشان در عملیات عبور ارونرد حضور داشتند، کاملاً درست و دقیق است و واقعیت میدانی عملیات را نشان می‌دهد. البته در این عملیات تعداد زیادی از لشکرها و تیپ‌ها حضور داشتند که به عملکرد آن‌ها پرداخته نشده است. مستندی که آقای اعظمیان ساخته‌اند، به نظر من مستند دقیق و درستی است و فداکاری‌ها و حماسه آفرینی‌های رزمندگان لشکر شکر امام حسین (ع) را نشان می‌دهد.
■ **مستند روی عملکرد لشکر امام حسین(ع) تمرکز می‌شود طوری که مثلاً عملکرد تیپ امام رضا(ع) در گرفتن شرق جزیره ماهی و پاسخ به چرایی نامن ماندن تنگه در راه‌های ۴ از ابهام باقی می‌ماند. این جهت می‌شود آن را روایتی از عملیات کربلای ۴ به عنوان یک کل بنامست؟**
به‌رحال این مستند، روایت عملیات لشکر امام حسین(ع) در کربلای ۴ است. البته طبیعتاً همه فعالیت‌های همین لشکر را هم نمی‌توان در یک مستند گنجانند بلکه عبور از ارنود توسط رزمندگان لشکر در این‌جا مستند شده است. اما اگر بخواهیم این مستند را به عنوان مستندی درباره عملیات کربلای ۴ تلقی کنیم بهتر است کارگردان محترم، این مستند را ادامه دهند و قسمت دوم آن را بسازند که در آن مثلاً با رزمندگان و فرماندهان تیپ امام رضا(ع) هم صحبت کنند. همین‌طور درباره طرح‌ریزی کل عملیات، باید با فرماندهان رده‌های بالاتر هم گفت‌وگو کرد. در این صورت می‌تواند به مستند کامل‌تری روی عملیات کربلای ۴ تبدیل شود.

■ **در مستند درباره مخالفت شهید خرازی با انجام عملیات تأکید می‌شود به نحوی که به‌طور ضمنی، روایت غالب درباره عملیات کربلای ۴ را تا حدودی به چالش می‌کشد. این زاویه دید را چطور تحلیل می‌کنید؟**
کربلای ۴ عملیات بسیار بزرگی بود که برای پیروزی بزرگ‌تری طراحی شده بود. در این عملیات قرار بود رزمندگان از دو محور پیشروی کنند؛ یکی از سمت ارونردود در منطقه مابین خرمشهر و جزیره مینو عبور کنند و به‌خو ریبیر بروند و سرریل فاورا تکمیل کنند. یعنی قرار بود منطقه عملیاتی فاورا و این قسمت ملحق کنند تا منطقه بزرگی تصرف و تأمین فاو تضمین شود.

■ **یعنی در ادامه منطقه عملیاتی والفجره تا بصره پروند؟**
البته هدف خود بصره نبود بلکه اطراف بصره بود اما اگر این محور موفق می‌شد، وسعت عملیات والفجره به سه برابر می‌رسید. در این محور، رزمندگان با سیاه فتمن عراق درگیر می‌شدند. محور دوم کربلای ۴، شلمچه بود که نیروها باید از شلمچه عبور می‌کردند و با سپاه سوم ارتش عراق درگیر شوند و به‌سمت کانال پرورش ماهی بروند. بنابراین عملیات کربلای ۴، بزرگ‌ترین عملیات در طول کل دوران

می‌دهد. مردی که پس از کربلای ۴ آن قدر می‌ماند که تحقق‌بخشی از اهداف نظامی و سیاسی این عملیات را در کربلای ۵ لمس کند و بعد شهید شود. در کنار او، نیروهایش در لشکر اصفهان به‌عنوان قهرمانانی معرفی می‌شوند که تا آخرین لحظه صدور دستور عقب‌نشینی، با وجود نیروی اندک و انتقال گلابه‌ها به عقبه، دست از نفوذ به خاک دشمن و حرکت به سمت هدف بزرگ یعنی حاشیه بصره نمی‌شوند.

ضدقهرمان «جزیره ماهی» اما مجموعه شرایط است. به جرات می‌توان گفت که مستند در پیش قصه خود مبتنی بر فرضیه «عملیاتی که نباید انجام می‌شد» پیش می‌رود و به همین علت است که در مسیر داستان، چرایی‌های یک اشتباه را به‌طور ضمنی

و گاهی صریح دنبال می‌کند. از همین جاست که لو رفتن عملیات در ساعت ابتدایی آغاز آن در اولویت بعدی دیگر «اشتباه»های مفروض روایت قرار می‌گیرد. سوءمدیریت‌ها و اصرار بر ادامه عملیات، مدل چپنش نیروها و سازمان‌دهی ارتباط لشکرهای عمل‌کننده با هم، تاکتیک‌های جنگی، دشواری‌های قابل پیش‌بینی اما پیش‌بینی‌نشده، نسنجیده‌ها کتمان‌شده، محل نقد این مستند از زاویه‌دید لشکر به برنامه‌ریزان عملیات است.

«جزیره ماهی» آنچنان در روایت جزئی‌نگرانه خود از دید نیروهای یک لشکر غرق می‌شود که از پاسخ به سوالات ضروری‌باز می‌ماند. سوالاتی نظیر اینکه چرا تیپ امام رضا(ع) از گرفتن جزیره ماهی

باز می‌ماند. مسکوت گذاشتن این سؤال و پاسخ‌های بالقوه آن در راستای تقویت این فرضیه عمل می‌کند که فرماندهان لشکر ۱۴امام حسین (ع) از ابتدا نسبت به سپردن عملیات گرفتن جزیره ماهی و امن کردن تنگه، هشدار داده بودند اما این هشدار، مورد توجه طراحان عملیات قرار نگرفت. تمرکز بر روایت نیروهای یک لشکر، مخاطب این مستند را از فهم ارتباط و سازماندهی میان لشکرها و عملکرد دیگر نیروهای درگیر در عملیات باز می‌دارد تا جایی که دید مخاطب نسبت به آنها و شیوه حضور و پیشروی و نفوذشان کور می‌شود. اختلاف اصلی روایت دو مستند «جزیره ماهی» و «شلمچه» را هم باید در همان پیش‌قشه‌ها و گامی ضروری به جلو دانسته شود.

پازل تصویر مخاطب از عملیات کربلای ۴ در گفت‌وگو با یک مستندساز

## امریکایی‌ها دنبال جنگ بدون پیروز میان ایران و عراق بودند

روایت فتح، نیمه دهه هفتاد به سراغ ساخت مستندی درباره عملیات کربلای ۴ می‌رود؛ با مقامت بلندپایه و فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌ها، مصاحبه می‌کند اما بعد از مدتی، پروژه متوقف می‌شود. سال ۹۵ محمدعلی فارسی به این آرشیو‌باز می‌گردد و از لایه‌لای مصاحبه‌ها، روایتی از چرایی و چگونگی این عملیات بیرون می‌کشد. با فارسی درباره «جزیره ماهی» و اختلاف روایت آن با «شلمچه» به گفت‌وگو نشستم.

رضایی هم می‌گوید ما می‌دانستیم شرایط به این شکل است اما می‌خواستیم ببینیم نقاط ضعف دشمن کجاست و ناچار بودیم این مسأله را نکوییم تا بچه‌ها به خط بزنند و پیش بروند.
■ **ابن صحبت ایشان در آرشیو مصاحبه ۷۴ در مستند شما با توثیت جنجالی ایشان درباره عملیات فریپ بودن کربلای ۴ در یک راستاست. اما غالباً با این روایت مخالف هستند و معتقدند کربلای ۴ عملیات اصلی و برای پیروزی طرح‌ریزی شده بود.**
همین‌طور است. بخشی می‌گویند عملیات به اهدافش نرسید اما بعد راهکاری پیدا شد و امریکایی‌ها گفتند ناوجه‌های ما در خورعبدالله آماده‌اند و اگر بخواهید ادامه دهید وارد عمل خواهیم شد. چون آنها دنبال این بودند که این جنگ پیروز نداشته باشد و دو طرف آن قدر همدگر را بزنند تا هر دو مضمحل شوند. اما در کربلای ۵ به نقطه‌ای رسید که ارتش عراق داشت از هم می‌پاشید و امریکایی‌ها پیغام دادند و این مسأله را طرح کردند. بالاخره جنگ بیجدیگی‌هایی دارد که هنوز بسیاری نمی‌خواهند جرنیباتش را بگویند و حرف و مناقشه در آن بسیار زیاد است. درباره همین کربلای ۵ در خارج از کشور هم مستندهای زیادی ساخته‌اند تا اثبات کنند ایران، ارزشی برای جان رزمندگانش قائل نبود.

■ **با توجه به نگاه تاحدودی گلابه‌آمیز «جزیره ماهی» از شیوه طراحی و فرماندهی عملیات، این مستند را قطعه‌ای دیگر در تکمیل پازل تصویر مخاطب از واقعیت در کنار مستند خودتان می‌بینید یا روایتی در مقابل آن؟**
ما فیلمسازان، محقق جنگ یا کارشناس مسائل جنگی نیستیم بلکه به سوزهای علاقه‌مند و تا حدودی به آن نزدیک می‌شویم. اینجا به چه کسانی باید اعتماد کنیم؟ به کسانی که آن روز در آن صحنه حاضر بودند. یک وقت من به سراغ افرادی می‌روم که معتقدند اگر ما کربلای ۴ را انجام نمی‌دادیم و ارتش عراق از روی خوشحالی آن‌طور تا مرز از هم‌پاشیدگی نمی‌رفت، پیروزی‌های کربلای ۵ حاصل نمی‌شد.

اما ایشان به‌صورت جزئی‌تر از نگاه افراد لشکر امام حسین(ع) به ماجرا نگاه کرده است. من می‌دانم که در آن مقطع بعضی از فرمانده گردان‌های لشکرهای مختلف از جمله همین لشکر تحت هیچ شرایطی به علت مخاطرات عملیات به مشارکت در آن، نن دادند و نیروهایشان را جلو نفرستادند. من آن‌اشو می‌دارم از یکی از فرماندهان لشکر ثارالله که تصریح می‌کند من آن شب هیچ یک از نیروهایم را جلو نفرستادم و یک نفر شهید هم ندادم چون باور نداشتم. اما فرمانده ایشان یعنی حاج قاسم سلیمانی دفاع می‌کند

و می‌گوید ما هم از مخاطرات اطلاع داشتیم اما اگر عمل نمی‌کردیم کربلای پنجمی هم وجود نمی‌داشت. از طرف دیگر فرمانده وقت سپاه، آ ق ا

اما ایشان به‌صورت جزئی‌تر از نگاه افراد لشکر امام حسین(ع) به ماجرا نگاه کرده است. من می‌دانم که در آن مقطع بعضی از فرمانده گردان‌های لشکرهای مختلف از جمله همین لشکر تحت هیچ شرایطی به علت مخاطرات عملیات به مشارکت در آن، نن دادند و نیروهایشان را جلو نفرستادند. من آن‌اشو می‌دارم از یکی از فرماندهان لشکر ثارالله که تصریح می‌کند من آن شب هیچ یک از نیروهایم را جلو نفرستادم و یک نفر شهید هم ندادم چون باور نداشتم. اما فرمانده ایشان یعنی حاج قاسم سلیمانی دفاع می‌کند

و می‌گوید ما هم از مخاطرات اطلاع داشتیم اما اگر عمل نمی‌کردیم کربلای پنجمی هم وجود نمی‌داشت. از طرف دیگر فرمانده وقت سپاه، آ ق ا

عملیات به عقب نامه نوشته است.

بله در شرایط سخت، اغلب فرماندهان این محاسبات را داشتند. در عملیات خبیر هم حاج همت، اصلاً زیر بار نمی‌رود. خبیر تنها عملیاتی بود که در آن یک قرارگاه مجزا به اسم نصرت زیر نظر ستاد فرماندهی تشکیل شده بود تا کارشناسی را انجام دهد. نزدیک عملیات، آقای رضایی همه فرماندهان را جمع می‌کند و می‌گوید باید عملیات را انجام دهیم و همه کارهایش انجام شده اما حاج همت اصلاً زیر بار نمی‌رود و می‌گوید نیروهای خودمان باید برای شناسایی بروند و تأیید کنند وگرنه برای ما کاملاً مبهم است. مناقشه بزرگی در می‌گیرد اما در نهایت به علت مسأله ولایت‌پذیری، بالاخره چشم را می‌گویند یعنی ما باور نداریم اما چون نماینده امام هستید می‌پذیریم.

■ **استان چطور می‌شود گفت کدام طرف اشتباه کرده است؟**

بحث تاریخ جنگ و اینکه بچه‌ها کجاها درست عمل کردند و کجاها اشتباه کردند، یک مسأله است که به نظر من تقریباً یک راز سر به مهر خواهد ماند اما روایت ما مسأله دیگری است. لافقل آن چیزی که ما در روایت فتح دنبالش بودیم و می‌خواستیم آن را ببرنگ کنیم، بحث ارزش‌های جنگ است. ما بیشتر دنبال این وجه بودیم که تفاوتی هم نمی‌کند.

■ **ارزش‌های فرهنگی و معنوی جنگ، نه ارزش‌های نظامی و سیاسی؟**
بله! اگر از دید ارزش‌های نظامی به قیام امام حسین(ع) نگاه کنید، چه جای دفاعی دارد؟ یا جنگ صفین چطور بدون ارزش‌های معنوی و با صرف دیدگاه نظامی قابل دفاع است؟ اما وقتی بار ارزشی روی کار می‌آید، اولویت‌ها تغییر می‌کند. هرچند این بخش‌ها هم لازم است برای مردم توضیح داده شود. حق مردم است که بدانند چون این شهدا، فرزندان همین مردم بودند. اینکه چرا نمی‌گویند ضعف همین فرماندهانی است که سکوت کرده‌اند چون می‌خواهند اشتباه‌های فاحش خودشان را بپوشانند. بالاخره یک روز این وجه ماجرا هم باید یاد شود چون یک تجربه است که نباید اجازه دهیم تکرار شود. در اینکه بخشی از مسأله را عده‌ای دارند پنهان می‌کنند درحالی که حق مردم است بدانند، هیچ شکی نیست. نمی‌دانم به چه مصلحتی نمی‌گویند اما به نظر خودم بخشی از این‌ها، جز مصلحت شخصی و چیز دیگری نیست. الان زمان گذشته و باید اجازه دهیم تحلیلگران بگویند تا تجربه‌های اشتباه دیگر تکرار نشود.

اما ما در روایت فتح دنبال وجوه معنوی و فرهنگی جنگ بودیم و به نظرمان، این وجه جنگ هنوز خیلی جای کار دارد که این جنگ با جنگ‌های دیگر خیلی فرقی می‌کرد. چون ارزش‌هایی در آن بود که اگر در مدیریت کشور تسری پیدا می‌کرد الان حال و روز کشور این طوری نبود که الان است. امیدوارم مستند «جزیره ماهی» اکران موفق‌ی داشته باشد تا مردم با بخشی از این فداکاری‌ها و ارزش‌ها به‌رغم همه شرایط پیچیده عملیات در جنگ آشنا شوند.

برای کربلای ۵ بود.
■ **البته در مستند خود شما، بخش‌هایی از صحبت حاج قاسم درباره عملیات کربلای ۵ وجود دارد که خود ایشان هم برای شرح بزرگی این پیروزی توضیح می‌دهد که سه بار برای درخواست توقف**

